



Analysis of the components of spiritual intelligence in the poetry of Mohammad Hossein Shahriar

Sadighi kari'm¹, Reza Samizadeh², Reza Chehreghani*³, Mahdi Fayyaz⁴

¹PhD student of Islamic Azad University

²Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini International University

³*Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

⁴Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

08/01/2024

Accepted:

01/06/2024

Class origin, family status, psychological type and not so normal events of Shahriar's personal and social life have led to the formation of works and the creation of poems that, along with literary and artistic values, have spiritual values and contain overt and covert components of Spiritual Intelligence. Spiritual intelligence is one of the relatively new concepts in the science of psychology that is directly related to the poetic world and the emotional-semantic contexts of the poet's universal poems. In this theoretical research, by examining a number of Persian poems of Shahriar Divan in a descriptive-analytical method, an attempt has been made to analyze the category of spiritual intelligence and its components in the poetry of this great contemporary poet with an interdisciplinary approach and psychological critique. The results of the research show that some components; Such as self-awareness, spontaneity, value-oriented and vision-oriented, ascendancy, altruism, acceptance of differences, independence of opinion, humility, willingness to propose fundamental reasons, ability to change mental frameworks, positive use of challenges and sense of mission And sanctification is seen in the works of Shahriar.

Keyword: Contemporary Persian Poetry, Mohammad Hossein Shahriar, Interdisciplinary studies, Psychological Criticism, Spiritual Intelligence.

Cite this article: kari'm, Sadighi., Samizadeh, Reza., Chehreghani, Reza., Fayyaz, Mahdi. (2023). Analysis of the components of spiritual intelligence in the poetry of Mohammad Hossein Shahriar. *Interdisciplinary research in Persian Language and literature Vol. 2, New Series, No.2, Autumn and winter 2023*: pages:57-77.

DOI: 10.30479/irpli.2024.19800.1124



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

* **Corresponding Author:** Reza Chehreghani

Address: Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

E-mail: chehreghani@hum.ikiu.ac.ir

تحلیل مؤلفه‌های هوش معنوی در دیوان محمدحسین شهریار*

کریم صدیقی^۱، رضا سمیع زاده^۲، رضا چهرقانی^۳، مهدی فیاض^۴

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)، قزوین، ایران.

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)، قزوین، ایران.

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)، قزوین، ایران..

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۱۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۱۲

خاستگاه طبقاتی، وضعیت خانوادگی، سنخ روانی و سوانح نه‌چندان متعارف حیات فردی و اجتماعی شهریار منجر به تکوین آثار و خلق اشعاری شده که در کنار ارزش‌های ادبی و هنری، واجد ارزش‌های معنوی و دربردارنده مؤلفه‌های آشکار و پنهان هوش معنوی است. هوش معنوی یکی از مفاهیم نسبتاً جدید در دانش روان‌شناسی است که در پیوند مستقیم با جهان‌نگری شاعرانه و زمینه‌های عاطفی - معنایی سروده‌های شاعر قرار می‌گیرد. در این پژوهش نظری، با بررسی تعدادی از اشعار فارسی دیوان شهریار به روش توصیفی - تحلیلی، تلاش شده تا مقوله هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در شعر این شاعر بزرگ معاصر با رویکرد میان‌رشته‌ای و نقد روان‌شناختی تحلیل شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی؛ همچون خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش‌محوری و چشم‌اندازمحوری، کل‌نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، تمایل به طرح چراهای بنیادین، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از چالش‌ها و احساس رسالت و تقدس‌بخشی در آثار شهریار دیده می‌شود. کلمات کلیدی: شعر فارسی معاصر، محمدحسین شهریار، مطالعه بین‌رشته‌ای، نقد روان‌شناختی، هوش معنوی.

استناد: صدیقی، کریم؛ سمیع زاده، رضا؛ چهرقانی، رضا؛ فیاض، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیل مؤلفه‌های هوش معنوی در دیوان محمدحسین شهریار، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، دوره جدید، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۲: ۷۷-۵۷.

DOI : 10.30479/irpli.2024.19800.1124



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)

مقدمه

هوش معنوی به مثابه ژرف‌ساخت جهان‌نگری و عقاید فرد و دربردارنده متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی است که در قالب رشد شخصیتی و عاطفی نمود می‌یابد. (عقدایی و آریان، ۱۳۹۴: ۱۳) هوش معنوی کاربرد معنویت برای پاسخ‌گویی به نیازهای ذهنی و پرسش‌های بنیادین هستی‌شناسانه است که برپایه عقاید دینی به‌کار گرفته می‌شود و نقش اساسی در تأمین سلامت روانی و هدفمند کردن زندگی دارد. (محرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴) تأثیر فوق‌العاده هوش معنوی بر مؤلفه‌های شخصیت و رفتار انسان؛ همچون رهبری، انگیزش، خودکنترلی، قابلیت تغییر، ارتباطات، عملکرد و نیز ارتباط آن با دیگر انواع هوش سبب می‌شود، هوش معنوی به یک متغیر مهم در حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان تبدیل شود؛ یکی از حوزه‌های بروز جلوه‌های هوش معنوی آثار خلاقه هنری و ادبی است. از این رو با تحلیل روان‌شناختی آثار یک شاعر یا نویسنده می‌توان سطح بهره‌مندی یا بهره‌گیری وی از هوش معنوی را دریافت کرد.

هوش معنوی به دریافت پاسخ برای سؤالات هستی‌شناسانه عمیق که از دغدغه‌های همیشگی متون ادبی نیز بوده کمک می‌کند. پرسش‌های بنیادینی درخصوص موقعیت من به‌عنوان انسان در جهان و اینکه چرا اینجا هستیم؟ و ارتباطم با دیگران، جامعه و جهان بر مبنای چه ضوابطی شکل گرفته است. (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۱۶) با ظهور این مفهوم جدید، چالش‌هایی در برابر تعریف و تشریح هوش معنوی به وجود آمد؛ هوش معنوی چیست؟ کارکردهایش چه چیزهایی هستند؟ و اینکه آیا قابل یادگیری و بهبود است؟ این مسائل هنگامی توجه زیادی برمی‌انگیزند که بخواهیم بدانیم چرا از هوش معنوی استفاده می‌شود؟ و آیا استفاده از آن سود خاصی برای استفاده‌کنندگان دارد؟ و تأثیر آن در تولید آثار هنری و ادبی چیست و چگونه ارزیابی می‌شود؟ پژوهشگران حوزه ادبیات تاکنون به تمامی این مباحث نپرداخته و فقط برخی از دیدگاه‌ها را درخصوص هوش معنوی ارائه کرده‌اند. چندین چالش در تعاریف پیشنهادی متفاوت و چندگانه هوش معنوی و تبیین رابطه آن با شعر و ادبیات وجود دارد:

اگر بپذیریم، شعر گره‌خوردگی عاطفه و خیال است که در زبانی آهنگین شکل یافته. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۵۶) هر شعر واجد چندین نظام متناظر و متداخل خواهد بود که جملگی ریشه در جهان‌نگری شاعرانه دارند و نتیجه و ثمره آن‌ها در فرم شعر بازتاب می‌یابد: نظام موسیقایی، نظام زبانی، نظام تصویرگری و از همه مهم‌تر نظام یا زمینه عاطفی - معنایی؛ که نظام اخیر ضمن ارتباط اندام‌واری که با سایر نظام‌های شعری دارد، با جهان‌نگری شاعرانه نیز ارتباط ویژه و پیوندی وثیق برقرار می‌کند. مقصود از زمینه عاطفی - معنایی، نخست نسبت احساسی یک شاعر با جهان درون و بیرون است که آن را از طریق نشانه‌های زبانی به خواننده منتقل می‌کند و دوم نسبت عاطفی است که خواننده با شعر او برقرار می‌نماید. منظور از جهان‌نگری شاعرانه نیز تلقی و تفسیر شاعر از جهان و زبان یا به عبارت دقیق‌تر جهان زبان و زبان جهان است. در واقع جهان‌نگری شاعرانه، کانونی است که تمامیت، ماهیت و هویت شعر بر آن استوار است. این

مرکز تحت تأثیر عوامل زیادی شکل می‌گیرد، رشد می‌کند، جوان می‌شود و نهایتاً فرسوده می‌شود و می‌میرد. (زرقانی، ۱۳۹۱: ۲۹ و ۳۰) ورود مفهوم هوش معنوی به ساحت هنر و ادبیات، خصوصاً شعر از دریچه جهان‌نگری شاعرانه و بر بستر یا زمینه‌های نظام عاطفی-معنایی که مهم‌ترین عامل در تکوین و شکل‌یافتگی شعر محسوب می‌شود، صورت می‌بندد.

با عنایت به مباحث فوق و با نگاهی گذرا به زندگی و شعر شاعران معاصر درمی‌یابیم که محمدحسین شهریار تبریزی، شاعر رمانتیک سنت‌گرای روزگار ما، چه به لحاظ وقایع و سوانح مهم زندگی شخصی، چه به جهت برخورداری از برخی تجربیات شهودی و همچنین علاقه به امور معنوی، عرفانی و مذهبی که به انحای گوناگون در شعر وی بازتاب داشته، واجد بهره قابل توجهی از هوش معنوی بوده است که می‌توان با بررسی زندگی و آثار وی با رویکرد تحلیل و نقد روان‌شناختی در قالب پژوهشی میان‌رشته‌ای، مؤلفه‌های هوش معنوی را در آثار او بازشناسی و تحلیل کرد. بر این اساس در این پژوهش ضمن تشریح مفصل مفهوم «هوش معنوی»، به فراخور ظرفیت و اقتضات پژوهش حاضر، تعدادی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های پرکاربرد هوش معنوی اعم از «خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش‌محوری و چشم‌اندازمحوری، کل‌نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، تمایل به طرح چراهای بنیادین، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها و احساس رسالت و تقدس‌بخشی» با تأمل در زندگی شخصی و اجتماعی و تفحص در دیوان فارسی شهریار، استخراج و تحلیل خواهد شد.

متن و حواشی زندگی و شعر محمدحسین شهریار همواره برای مردم ایران واجد جذابیت‌های گوناگون بوده است و این پژوهش می‌تواند با بازتاباندن نور نظریه هوش معنوی بر زوایای نامکشوف یا پیچیده زندگی و شعر وی، بخش‌هایی از این پیچیدگی‌ها و احیاناً تناقضات را روشن کند و توضیح دهد. افزون بر این با توجه به کمبود منابع در این حوزه، دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به تحقیقات میان‌رشته‌ای روان‌شناسی و ادبیات، می‌توانند از روش و نتایج این تحقیق برای اجرای پژوهش‌های دیگری از این دست بهره‌برداری کنند.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم آن‌که مفهوم هوش معنوی حتی در دانش روان‌شناسی نیز سابقه زیادی ندارد، به سبب ظرفیت این مفهوم و نظریه‌های برآمده از آن برای تحلیل بسیاری از موضوعات روان‌شناختی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و... گذشته از انبوه مقالاتی که در سایر حوزه‌ها و شاخه‌های علوم در این باب نوشته شده است، در سال‌های اخیر مقالاتی نیز درباره متون و مباحث ادبی با تکیه بر مفهوم هوش معنوی منتشر شده است که دو مقاله زیر از آن جمله‌اند:

- قنبری، سیروس و ایمان کریمی. (بهار ۱۳۹۵). مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ش ۱۳، صص ۹۹-۱۱۹.
 - رادمش، شهرزاد. (پاییز و زمستان ۱۳۹۶). تطبیق مؤلفه‌های هوش معنوی در دو رمان «سختون» و «فریاد مرا بشنو»، مجله ادبیات تطبیقی، ش ۱۷، صص ۸۱-۱۰۵.
- محرمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی هوش معنوی کودک براساس شعر مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بیان داشته‌اند که مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر کودک، منطبق با آموزه‌های قرآنی و با کارکرد تعلیمی است.
- رادمش (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تطبیق مؤلفه‌های هوش معنوی در دو رمان «سختون» و «فریاد مرا بشنو» بیان داشتند که این نویسندگان از دو سوی دنیا، در محتوای داستان‌های خود، از مفاهیم هوش معنوی بهره برده‌اند و جستارهای فکری مشابه و اندیشه‌های مشترک داشته‌اند.
- با توجه به پیشینه بررسی شده خاطر نشان می‌شود تا کنون تحقیق مستقلی درخصوص هوش معنوی در شعر شهریار انجام نگرفته است.

تعریف مفاهیم اصلی و چارچوب نظری تحقیق

پیوند معنویت با زندگی و شعر شهریار

اندیشمندان درخصوص ارتباط دین و ادبیات آرای گوناگونی دارند. «نظریه‌های رایج ادبی به دلایل گوناگون می‌کوشند تا ساحت ادبیات را از همه مسائل بیرونی از جمله عقاید سیاسی و مذهبی دور نگهدارند؛ اما این خواسته عملاً محقق نشده است، چراکه بسیاری از آثار برجسته ادبی دارای بن‌مایه‌های دینی هستند؛ خواه به‌صراحت؛ مانند کمدی الهی دانته، اشعار قدیس جان صلیبی و مثنوی مولوی و خواه به‌طور غیرمستقیم؛ مانند اشعار هولدرلین و حافظ. علاوه بر این شعر از آن رو که زبان عواطف و احساسات و همچنین تجلی آمال، خواسته‌ها و موضع‌گیری‌های شاعر درباره مسائل گوناگون زندگی است، پیوند عمیقی با اعتقادات به‌ویژه عقاید مذهبی وی دارد، لذا جدا کردن ادبیات از عقاید دینی شاعر و نویسنده به معنی دوپاره کردن شخصیت او و در عمل غیرممکن است. عبدالله نعمه در باب ارتباط عقیده و ادبیات در مهم‌ترین اثر خود، «الأدب فی ظلّ التشیع» می‌نویسد:

«العقیده من حیث هی العقیده مصدر اکثر المیول و الإتجاهات تعمل فی خلقها و بعثها أكثر من ای شیء و من الواضح ان یتلون الأدب عندئذ بلون تلك العقیده و من هنا الأدب لا ینفصل عن الوانہ العقائدیة» یعنی: عقیده از آن رو که عقیده است سرچشمه بیشتر گرایش‌ها و رویکردها محسوب می‌شود و بیش از هر عامل دیگری در ایجاد و برانگیختن گرایش‌ها و رویکردهای آدمی مؤثر است. بدیهی است که در این جا ادبیات

به رنگ احساسات منبعث از آن عقیده درمی‌آید و از این رو ادبیات هیچ‌گاه از رنگ اعتقادی عاری نخواهد بود» (به نقل از چهرقانی، ۱۳۹۴: ۱۲۶)

دین و ادبیات بی‌شک کهن‌ترین انگاره‌های فرهنگی یک ملت به‌شمار می‌آیند و شعر مهم‌ترین ابزاری است که دین‌داران و عارفان با آن به ترویج اندیشه‌های دینی پرداخته‌اند. برخی متفکران هنر را جزئی از دین می‌دانند و معتقدند که «هنر یک مقولهٔ دینی و یک حقیقت متعالی و مقدس است که نجات‌بخش بشریت است و یک رسالت مافوق مادی و متعالی و صددرصد انسانی دارد.» (شریعتی، ۱۳۶۲: ۸).

سید محمدحسین بهجت تبریزی نیز که در سال ۱۲۸۵ شمسی در یک خانوادهٔ اصیل مذهبی از سلسله سادات شیعه در خشک‌ناب تبریز به دنیا آمد از کودکی در محیطی پر از مهر و عاطفه - آن‌چنان‌که در منظومهٔ حیدر بابایه سلام ترسیم شده - با آموزه‌های دینی آشنا شد و توجه به عالم معنا و مفاهیم معنوی در شخصیت وی نهادینه گردید. دوران کودکی شهریار که با اوج‌گیری انقلاب مشروطه در تبریز مقارن بود در روستای خشک‌ناب گذشت و شاعر در همان‌جا به مکتب‌خانه رفت و تحصیلات ابتدایی خود را با قرائت قرآن، نصاب‌الصبیان، گلستان سعدی و غزلیات حافظ آغاز کرد و ظاهراً تأثیر معنوی و روانی این آثار تا پایان عمر دامن او را رها نکرد. از این‌رو مضامین اغلب اشعار شهریار نیز، منعکس‌کنندهٔ دیدگاه دینی، اجتماعی، فرهنگی و گاه سیاسی اوست. (علیزاده، ۱۳۷۶: ۳۲۵)

نکتهٔ قابل‌ذکر دیگر در زندگی شهریار از منظر نقد تکوینی، این است که آغاز بلوغ فکری - عاطفی وی؛ با عشق مجازی و انجام آن؛ با عشق حقیقی همراه بوده است و افزون بر آن عقاید مذهبی شهریار و ارادت خالصانهٔ او به شخصیت‌های مقدس عالم تشییع منجر به خلق اشعار مذهبی بی‌دروغ و بی‌نقاب، هنرمندانه و ماندگار توسط این شاعر رمانتیک شده است.

افزون بر موارد فوق آنچه می‌توان به‌صورت ضمنی در شکل‌دهی به شخصیت هنری - معنوی شهریار برای آن سهمی ولو اندک قائل شد این است که ادبیات فارسی از همان آغاز پیدایش و توسعهٔ خود (نیمهٔ قرن سوم هجری) صبغهٔ دینی داشته است، لذا تأثیر تعالیم اسلام و عرفان اسلامی در آن، نه بر اثر برخوردهای تنش‌آمیز بلکه برخاسته از تعامل فرهنگی و ادبی بوده و در تاریخ شعر کلاسیک و سنتی فارسی همواره حضور داشته است. لذا طبیعی است که شهریار به‌عنوان شاعری سنت‌گرا، با علقه‌های مذهبی و بهره‌مندی از هوش، علایق و عوالم معنوی، از این آبشخور تاریخی تغذیه کرده و تحت‌تأثیر آن بوده باشد.

نقد روان‌شناختی

نقد روان‌شناسانه (Psychologocical criticism) در آغاز صرفاً به تأثیر فعالیت ضمیر ناخودآگاه نویسنده یا شاعر در طول آفرینش هنری و نحوهٔ پردازش اطلاعات در قوهٔ تخیل او توجه داشت. فروید سلسله‌جنبان این شیوهٔ نقد، معتقد بود که فعالیت ادبی و هنری نوعی بیماری روانی است و منتقدان این حوزه، اثر هنری

را همچون علائم بیماری در بیمار روانی تلقی و تحلیل می‌کردند. پیشرفت دانش روان‌شناسی در قرن بیستم و ظهور نظریه‌های جدیدتر در دانش روان‌شناسی ابعاد جدیدتری به نقد روان‌شناختی بخشید به گونه‌ای که امروزه تحلیل روان‌شناختی آثار ادبی یکی از جدی‌ترین شاخه‌های مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی به‌شمار می‌رود. این دانش با تعدادی از علوم ادبی؛ مانند سبک‌شناسی تا آنجا در آمیخته است که برخی سبک‌شناسان معتقدند سبک، صدای ذهن نویسنده یا حتی سبک خود نویسنده است. لئو اسپیتزر Leo Spitzer یکی از بنیان‌گذاران سبک‌شناسی تکوینی می‌کوشید با نقب زدن از روساخت اثر ادبی راهی به ژرف‌نای روان نویسنده بیابد و در بازگشت از مسیر رفته ویژگی‌های سبک شخصی او را تعیین کند. وی بر خلاف شال بالی به منشأ و علل ایجاد سبک که ریشه در روان‌گوینده دارد توجه داشت. برخی جملات اسپیتزر در میان سبک‌شناسان شهرتی یافته است از جمله این سخن که: «سبک‌شناسی حاصل استعداد، تجربه و ایمان است.» (به نقل از شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۲۳) از آنجاکه اثر ادبی به‌نوعی پژواک روان‌گوینده است، حتی اگر نظر افراطی روان‌شناسی کلاسیک را درخصوص بیمار شمردن شاعر و نویسنده صائب ندانیم، یکی از جلوه‌های قابل‌مطالعه درخصوص وضعیت روانی نویسندگان و شاعران، تولیدات هنری و ادبی ایشان است.

هوش معنوی و ابعاد آن

مفهوم هوش معنوی (SQ) از مفاهیمی است که طی دو دهه اخیر در حوزه دانش روان‌شناسی مطرح بوده و از آنجا به عرصه ادبیات و نقد ادبی راه یافته است. در دانش روان‌شناسی نوین در کنار هوش عمومی و هیجانی به هوش معنوی نیز توجه می‌شود و آن را در کاربرد اطلاعات معنوی در رفع و حل مسائل روزمره و دستیابی به اهداف مؤثر می‌داند. به عبارت دیگر شخص زمانی به کاربست هوش معنوی روی می‌آورد که قصد داشته باشد از ظرفیت‌ها و منابع معنوی در تصمیم‌گیری‌های مهم و تأمل در موضوعات وجودی یا تلاش در جهت حل مسائل روزانه استفاده کند. پژوهشگران پس از شناخت مفهوم هوش معنوی کوشیدند به تعریف و شناسایی مؤلفه‌های آن پرداخته، مؤلفه‌های آن را از زوایای گوناگون بررسی کنند. چنانچه بخواهیم مخرج مشترکی از مؤلفه‌های هوش معنوی مطرح شده در پژوهش‌های مختلف برسیم شاید بتوان با استفاده از نظر سیسک و تورانس (۲۰۰۱) (ر.ک سهرابی و ناصری، ۱۳۹۱: ۱۱) صورت‌بندی تازه‌ای از این مؤلفه‌ها را به صورت زیر ارائه کرد:

الف) ظرفیت‌های اصلی مانند علاقه‌مندی به مسائل هستی و عالم وجود؛

ب) ارزش‌های اصلی مانند پیوستگی و وحدت، مهربانی، احساس ثبات و تعادل، مسئولیت‌پذیری و عبادت؛

پ) تجربه‌های اصلی مانند آگاهی از تجربه‌های غایی و معنای آن‌ها، تجربه اوج، احساس تعالی و حالت هشیاری عمیق؛

ت) ارزش‌ها و رفتارهای پرهیزگارانۀ مهم همچون: حقیقت، عدالت، مهربانی و پرستاری؛

ث) مهارت‌هایی مانند تمرکز و در خود فرورفتن، الهام و بصیرت؛

ج) برخی فرایندهای مغزی در پیوند با عرفان و تصوف مثل از خودبی‌خود شدن و خلسه؛

ج) نظام نمادپردازی در پیوند با شعر، موسیقی، استعاره و داستان.

از آنجاکه کانون اصلی هوش معنوی، ظرفیت احساس، ادراک و توجّه به جنبه‌های متعالی وجود خویشتن و سایر انسان‌ها و جهان پیرامون است، به انسان کمک می‌کند تا به پرسش‌های بنیادین و غایی درخصوص معنای زندگی و ارتباط انسان با جهان درون و بیرون پاسخ دهد و تمامی فعالیت‌های فرد را از نظر انگیزه‌ها و اهداف با مفاهیم معنوی تلفیق کند.

مفهوم هوش معنوی را نخستین بار استیونز در سال ۱۹۹۶ در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی مطرح کرد و پس از وی ایمونز و گاردنر در سال ۱۹۹۹ با بررسی و تحلیل ابعاد مختلف موضوع به‌عنوان یکی از اشکال هشت‌گانه هوش، آن را تکمیل کردند. (سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۴)

دیدگاه مک‌هاوک (۲۰۰۲، به نقل از: نازل، ۲۰۰۴: ۴۴) در مورد تفاوت هوش معنوی و هوش متعارف traditional در جدول شماره یک نشان داده شده است. (ویگلسورث، Wigglesworth. Cindy ، ۲۰۰۲:

(۱۷)

مقایسه هوش معنوی و هوش متعارف (مک‌هاوک، ۲۰۰۲: ۳۶)

هوش متعارف	هوش معنوی
اختصاصی	غیراختصاصی Non-specific
معنایی semantic	نمادین Symbolic
تمایزکننده	متحدکننده Unify
کنترل‌کننده خود Self-control	شکوفاکنده خود Self-actualisation
کمی	کیفی
مادی Temporal	معنوی
عقل	شهود intuition

محققان برای هوش معنوی مؤلفه‌هایی را ذکر کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به درک شهودی، خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش‌محوری و چشم‌اندازمحوری، کل‌نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، تمایل به طرح و پاسخ به چراهای بنیادین، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها، احساس رسالت و تقدس بخشی و... اشاره کرد.

خاطر نشان می‌شود؛ در این تحقیق علی‌رغم استفاده از نظریه‌های گوناگون مرتبط با هوش معنوی، مؤلفه‌های یادشده بیش از همه با تأکید بر دیدگاه و مدل زهر و مارشال، که خلاصه آن در جدول زیر قابل مشاهده است، تحلیل شده است.

ابعاد هوش معنوی براساس دیدگاه زهر و مارشال

خود آگاهی و این‌که بدانید واقعاً که هستید و چگونه با دنیای پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنید.	تعیین ارزش‌ها و افق‌ها (آرمان‌گرایی) نهایت انسانیت ما در چشم‌انداز و ارزش‌های ما مشخص خواهد شد.	قابلیت مواجهه با مشکلات و نامالیامات و حتی به فرصت تبدیل کردن آن‌ها. کنار آمدن با اشتباهات و مشکلات و درس گرفتن از آن‌ها.
کل‌نگری و مشاهده ارتباط بین پدیده‌ها و امور؛ مشتاق بودن نسبت به همه چیز	تنوع پذیری و کنار آمدن با تنوع، برای مثال دیدن جنبه‌های متفاوت هر فرد و تشویق به دانستن ارزش این تفاوت‌ها و شکرگزاری بابت آن‌ها	مستقل بودن (شهامت) نه به معنی سازگاری و هم‌رنگ جماعت شدن در امور ناصحیح و داشتن شجاعت کافی برای عمل برخلاف عرف رایج (استقلال از محیط)
طرح پرسش‌های بنیادین؛ پرسیدن سؤالات اساسی و یافتن پاسخ‌های بنیادین	قابلیت چارچوب‌بندی موضوعات و مشاهده پدیده‌ها در زمینه‌ای وسیع‌تر	خودجوش بودن و انجام اعمال براساس بینش خود و پاسخ‌گو بودن بابت آن‌ها به دنیا و عمل نکردن براساس ترس و هوس

(به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷: ۲۷)

دامنه، روش و کیفیت اجرای تحقیق

با توجه به این‌که نتایج این پژوهش در تحلیل اشعار شهریار کاربرد دارد و راهبردی عملی برای تبیین چگونگی بروز شاخصه‌های هوش معنوی در سرودن شعر را ارائه می‌کند، از نظر هدف می‌تواند کاربردی قلمداد شود؛ اما از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، این پژوهش از نوع توصیفی، اسنادی و کتابخانه‌ای است و روابط حاکم بر متغیرها را به وسیله تحقیق و تفحص در اسناد و منابع مکتوب و استخراج داده‌ها و شواهد از بین آن‌ها بررسی می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت، این تحقیق، پژوهشی نظری است که با تکیه بر اسناد و منابع مکتوب کوشیده است تا با روش توصیفی - تحلیلی، مؤلفه‌های هوش معنوی را که از مفاهیم دانش روان‌شناسی است با رویکرد میان‌رشته‌ای در شعر محمدحسین شهریار، شاعر رمانتیک و سنت‌گرای معاصر بررسی و تحلیل کند. دامنه پژوهش پنج قطعه از اشعار شهریار (عموماً غنایی) است که به دلیل ماهیت کیفی و انکشافی موضوع

پژوهش، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند از دیوان فارسی شاعر، چاپ انتشارات نگاه، انتخاب و به صورت زمینه کوچک Micro Context تحلیل شده‌اند.

تحلیل مؤلفه‌های هوش معنوی در شعر شهریار تبریزی

الف) مثنوی شعر چیست؟

در مثنوی شعر چیست، تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌های هوش معنی را می‌توان شناسایی کرد که بر مبنای ظرفیت‌هایی که پاسخ به یک پرسش بنیادین در خصوص چیستی و ماهیت شعر در اختیار شاعر گذاشته است، امکان ظهور و بروز یافته‌اند.

نظم نغز و لطیف را گویند
که کند اهل ذوق، حال به حال
راست‌گویی ترانه قدسی است
بلکه لفظی بود به معنی هم
هرچه اندوه دل برد شعر است
هرچه را جلوه و جمالی هست
و آنچه ذوق سلیم بپسندد
خشم دریا و لطف آب زلال
قهر طوفان و سه‌م‌گ‌ینی کوه
سروناز و ترانه بلبل
سرکشی جوان و صحبت پیر
عشق بی‌باک و عفت دختر
تیغ کوه و دمیدن خورشید

ناز شهزاده و نیاز یتیم
قصه عشق و سرگذشت غریب
روح جان‌بازی جوانمردان
غزل شهریار و ساز صبا
برگریز خزان و باد وزان
ابدی کارنامه ازل است

ص ۴۸۳

شعر فکر ظریف را گویند
شعر نظم بود به سحر حلال
شعر نظم بلند فردوسی است
شعر خاص سخن نباشد هم
هرچه زان دیده برخورد شعر است
هرکجا بوی وجد و حالی هست
هرچه آزاده دل بدو بنندد
غضب شیر و غمزه‌های غزال
حال ابهام جنگل انبوه
نزهت سبزه و تبسم گل
آه مظلوم و ناله شبگیر
خفتن طفل و دامن مادر
جوش چشمه‌سار و سایه بید

عفو شاهانه و گذشت کریم
حسرت عاشق و وصال حبیب
سر سودایی جهان‌گردان
سینه کبک و بال سبزه‌قبا
رنگ و بوی بهار و حزن خزان
این همه شعر و دفتر غزل است

در ابیات فوق، شهریار با تکیه بر مؤلفه کل‌نگری مفهوم خاص شعر را تا حد مفهوم عام زیبایی توسعه بخشیده و آن را با هر نوع رفتار، فکر، تصویر، سخن و مآلاً هر پدیده‌ای که از صفت زیبایی برخوردار باشد، برابر دانسته است. در دیدگاه زهر و مارشال منظور از مؤلفه کل‌نگری، مشاهده و کشف ارتباط میان پدیده‌هاست (به نقل از سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۶) و چنان‌که در شعر فوق دیده می‌شود، شهریار با کشف عنصر زیبایی در پدیده‌های متعدد - از غضب شیر و غمزه‌های غزال تا برگ‌ریز خزان و باد وزان - کوشیده است بین آن‌ها و مفهوم شعر ارتباطی اندام‌وار **Organic** و پویا **Dynamic** برقرار کند: این همه شعر و دفتر غزل است... افزون بر این، شهریار در این شعر، زیبایی و به تبع آن شعر را عین خیر و فضیلت و ابدی کارنامه ازل و ترانه‌ای قدسی معرفی کرده که علاوه بر کل‌نگری به‌نوعی با مؤلفه تقدس‌بخشی نیز در ارتباط است.

شعر نظم بلند فردوسی است راست‌گویی ترانه قدسی است

تقدس‌بخشی مؤلفه سوم از مؤلفه‌های پنج‌گانه هوش معنوی در دیدگاه ایمونز است که از توانایی آراستن و آمیختن فعالیت‌ها، حوادث و روابط عادی زندگی روزمره با احساسی از تقدس نشأت می‌گیرد (سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۷). اینکه شهریار هیچ کجی و ناراستی در این جهان نمی‌بیند و حتی امور به ظاهر ناپسند را در چارچوب نظریه کلامی نظام احسن، زیبایی محض و محض زیبایی و خیر می‌شناسد، از نکات قابل توجه در شعر مورد بحث است که در مدل زهر و مارشال به قابلیت چارچوب‌بندی و مشاهده پدیده‌ها در زمینه‌ای وسیع‌تر مربوط می‌شود. (همان)

غضب شیر و غمزه‌های غزال	خشم دریا و لطف آب زلال ...
آه مظلوم و ناله شبگیر	سرکشی جوان و صحبت پیر ...
رنگ و بوی بهار و حزن خزان	برگ‌ریز خزان و باد وزان
این همه شعر و دفتر غزل است	ابدی کارنامه ازل است

چنان‌که گفته شد؛ کل‌نگری، تقدس‌بخشی و فضیلت‌گرایی، هر سه از نشانه‌ها و مؤلفه‌های هوش معنوی هستند که در قالب مضامین و تصاویری بدیع در شعر فوق ترسیم شده‌اند.

ب) مرثیه‌ای برای مادر (ای وای مادرم)

شعر «مرثیه‌ای برای مادر» یا «ای وای مادرم» از معدود اشعار آزاد و نیمایی این شاعر سنت‌گرای معاصر است که برخی مؤلفه‌ها و بارقه‌های هوش معنوی در آن به‌وضوح قابل مشاهده است. یکی از ابعاد هوش

معنوی در نظر دوروثی سیسک Dorothy Sisk و یوسی آمرام Yosi Amram، برخوردار از شهود عمیق است (کبوتری اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶) که در نظریهٔ امونز از آن به «توانایی ورود به حالت‌های معنوی از هوشیاری» تعبیر شده است (بواله‌ری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۸). بند نخست مرثیهٔ شهریار که ساختاری روایی دارد از همین ویژگی در روان شاعر حکایت می‌کند. مادری که مرده است، اما در منظر شهود شاعر همچون گذشته به امور روزمرهٔ خود می‌پردازد. لحن این بند و فضایی که در آن تصویر شده، به‌گونه‌ای است که گویی شهریار با این بند از نوعی مکاشفه و تجربهٔ باطنی پرده برداشته است:

آهسته باز از بغل پله‌ها گذشت / در فکر آش و سبزی بیمار خویش بود / اماً گرفته دوروبرش هاله‌ای سیاه / او مرده است و باز پرستار حال ماست / در زندگی ما همه‌جا وول می‌خورد / هر کُنج خانه صحنه‌ای از داستان اوست / در ختم خویش هم به سر کار خویش بود.

تأمل در بند فوق از شعر شهریار به‌نوعی نظر نوبل Nobel (۲۰۰۱) را که تشخیص آگاهانه این موضوع که واقعیت فیزیکی در درون یک واقعیت بزرگ‌تر و چندبعدی قرار دارد و لحظه‌به‌لحظه در تعامل با آن و به‌صورت هوشیارانه و ناهوشیارانه صورت‌بندی می‌شود، تأیید می‌کند. هم‌چنان‌که مک مولن Mack molen نیز شهود Intuition را در کنار شجاعت، کل‌نگری و شفقت Compassion از مؤلفه‌های هوش معنوی دانسته است. (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶)

فقدان مادر برای پسری پر دردسر که فرصت نیافته تا از زحمات بی‌دریغ وی حق‌گذاری کند با نوعی عذاب وجدان و خودانتقادی همراه شده که دامنهٔ آن تا احساس سرزنش‌گری پدیده‌های طبیعی نیز تعمیم یافته است:

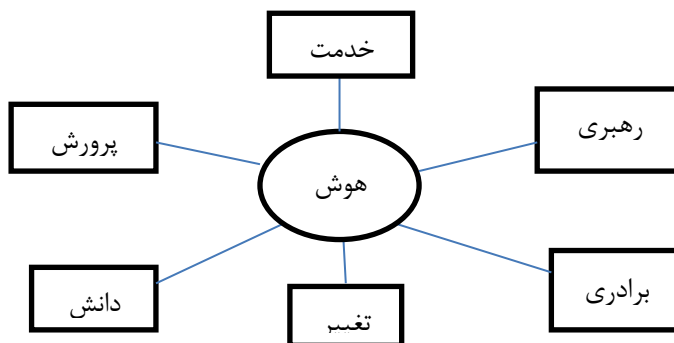
در راه قم به هرچه گذشتم عبوس بود / پیچید کوه و فحش به من داد و دور شد / صحرا همه خطوط کج و کوله و سیاه / طومار سرنوشت و خبرهای سهمگین / دریاچه هم به حال من از دور می‌گریست...

آنچه به این احساس از نظر روان‌شناختی وجه مثبت و سازنده‌ای می‌بخشد پناه بردن به دامن نیایش و معنویت برای رهایی از تبعات منفی احساس خودسرنشگری است.

تنها طواف دور ضریح و یکی نماز / یک اشک هم به سورهٔ یاسین من چکید / مادر به خاک رفت...

زهر و مارشال در جدولی که برای نمایش وجوه گوناگون هوش معنوی طراحی کرده‌اند این توانایی را در ذیل قابلیت مواجهه با مشکلات، تبدیل آن‌ها به فرصت و کنار آمدن با اشتباهات و مشکلات و درس گرفتن از آن‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند. (ساغروانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵) در واقع شهریار در جبران نبود عنصر خدمت، برابر مدل شش گلبرگ زهر و مارشال، پرورش را جایگزین آن ساخته است.

مدل زهر و مارشال (۲۰۰۰)



پناه بردن به معنویت برای حفظ انسجام روانی انسان را برخی در گرو تعهد نسبت به رشد معنوی، حفظ خودِ والا در مسئولیت‌های زندگی هدفمند، پایداری در اعتقادات و راهنمایی خواستن از معنویت دانسته‌اند. (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷)

یکی از نشانه‌های هوش معنوی که شاید تنها وجه تمایز انسان با پستانداران عالی باشد، برخوردار بودن از نظام ارزشی است؛ از این رو انسانیت انسان در چشم‌انداز و افق ارزش‌های او قابل‌سنجش خواهد بود. اغلب نظریه‌پردازان هوش معنوی با ملاحظه این موضوع ارزش‌محوری و چشم‌انداز محوری را یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی معرفی کرده‌اند. (محرمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۱) با نگاهی گذرا به شعر مرثیه‌ای برای مادر شهید درمی‌یابیم که او از نظام ارزشی معطوف به غایت‌های معنوی برخوردار است:

تبریز ما! به دورنمای قدیم شهر / در (باغ بیشه) خانه مردی است با خدا / هر سخن و هر سراچه یکی دادگستری است / این جا به داد ناله مظلوم می‌رسند / این جا کفیل خرج موکل بود و کیل / مزد و درآمدش همه صرف رفاه خلق / در، باز و سفره پهن / بر سفره‌اش چه گرسنه‌ها سیر می‌شوند.

دفاع از مظلومان و پناه‌دادن به ستم‌دیدگان، رفع خصومات خلق، گشاده‌دستی، بخشندگی و سفره‌داری در نگاه شهیدار تماماً ارزش‌های اخلاقی برآمده از جهان‌بینی معنوی و دینی هستند که در ذیل صفت «باخدا» بودن پدر ظهور بیرونی یافته‌اند. در ادامه به ارزش‌های دیگری نیز اشاره شده که ثمره روحیه رادمردی و آزادگی است:

انصاف می‌دهم که پدر رادمرد بود / با آن همه درآمد سرشارش از حلال / روزی که مرد، روزی یک سال خود نداشت / اما قطارهای پر از زاد آخرت / وز پی هنوز قافله‌های دعای خیر...

تهی‌دستی پدر در آستانه کوچیدن از دنیا در نظر شهیدار نشانه رادمردی و آزادگی اوست (قرار در کف آزادگان نگیرد مال)؛ اما این نوع نگاه به ارزش‌های انسانی و اجتماعی در روان‌شناسی شهیدار که برآیند دو

صفت باخدا بودن و رادمدی است، تعبیری از امام سوم شیعیان را به‌خاطر می‌آورد که دین‌داری را عدیل و بدیل آزادگی شمرده است. (رک مجلسی، ۱۳۸۸: ۴۹)

مؤلفه ارزش‌محوری با توجه به چهره‌ای که از مادر شاعر در این شعر تصویر می‌شود با سایر مؤلفه‌های هوش معنوی، از جمله شهامت و مستقل بودن یا عمل کردن برخلاف عرف رایج در پیوند است. شخصیت مادر در این شعر روایی، واجد خصوصیتی همچون؛ فداکاری، گذشت، شفقت و مهرورزی و تدبیر و مدیریت است که اداره دستگاه پرسخاوت پدر را برعهده دارد؛ اما آنچه با تصویرگری شاعر به‌صورت برجسته‌تر در این شعر خودنمایی می‌کند، مؤلفه شهامت و استقلال در نظر و عمل است که بنا بر روایت شاعر، در پشت‌پازدن مادر به زندگی پر از رفاه در تبریز و رفتن به تهران برای دستگیری از درمندگان که یکی از آن‌ها فرزند اوست، تبلور یافته است. اگرچه این صفت به مادر شهریار تعلق دارد؛ اما این‌که شاعر آن را در وجهی متمایز مشاهده و به‌عنوان یکی از ارزش‌های انسانی قابل‌احترام توصیف و تحلیل کرده، خود نمایشگر بارقه‌هایی از هوش معنوی شاعر است:

او از میان کلفت و نوکر ز شهر خویش / آمد به جست‌وجوی من و سرنوشت من / آمد چهار طفل دگر
هم بزرگ کرد / آمد که پیت نفت گرفته به زیر بال / هر شب در آید از در یک خانه فقیر / روشن کند چراغ
یکی عشق نیمه‌جان / او را گذشته‌ای است سزاوار احترام.

پ) آمدی جانم به قربانت

این شعر مشهور شهریار که به دلیل ظرفیت‌های عاطفی، معنایی و زبانی، مصرع نخست مطلع آن تبدیل به مثل سایر شده، از جمله اشعاری است که هوش معنوی شهریار را بازتاب می‌دهد. از دیدگاه فریدمن و مک دونالد یکی از مؤلفه‌ها و نشانه‌های هوش معنوی، اقرار و اشعار به اصل گران‌بها بودن عمر، مقدس بودن زندگی و ارزشمند بودن فرصت حیات است. اصلی که به نظر می‌رسد به مضمون پایه در محور عمودی غزل شهریار تبدیل شده است:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟	بی وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟
نوش‌دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می‌خواستی حالا چرا؟
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست؟	من که یک امروز مهمان توام فردا چرا؟
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده‌ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا؟
وہ کہ با این عمرهای کوتاه بی‌اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا؟

ص ۶۳

چنان‌که مشاهده می‌شود، فرم غزل فوق‌متکی بر ردیف شعر است که مصرع دوم را به جمله‌ای پرسشی با اغراض ثانوی گوناگون بدل می‌کند؛ اما پرواضح است که تمامی این مصرع‌ها، تعبیری متفاوت از یک

پرسش اساسی و بنیادین از معشوق است: «چرا فرصت کوتاه، ارزشمند و مقدس زندگی را قدر ندانستی؟» بر این اساس دو مؤلفه مهم از مؤلفه‌های هوش معنوی بر بستر فرم و محتوای غزل شهریار درآمیخته‌اند: ۱- اعتقاد به ارزشمند بودن عمر و مقدس بودن زندگی ۲- طرح پرسش‌های بنیادین و اساسی. افزون بر دو مؤلفه بالا، ارزش محوری نیز در ابیات دیگر این غزل قابل ردگیری است، خصوصاً تأکید شهریار بر ارزش وفاداری و سکوت که در تمامی مکاتب معنوی جزء فضیلت‌های بزرگ معنوی به حساب می‌آیند:

در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین خامشی شرط وفاداری بود غوغا چرا؟

ت) تو بمان و دگران

غزل معروف شهریار با مطلع:

از تو بگذشتم و بگذاشتمت با دگران رفتم از کوی تو لیکن عقب سر نگران

از جمله آثاری است که تعدادی از مؤلفه‌های هوش معنوی را می‌توان در آن بازشناسی و تحلیل کرد؛ از میان تمام ابعاد و جنبه‌های هوش معنوی، سه مؤلفه در این شعر برجسته‌تر دیده می‌شود:

خودانگیختگی

اصطلاح هوش معنوی را برای اولین بار زهر و مارشال، زوجی دانش‌پژوه و استادان دانشگاه آکسفورد با درهم‌آمیزی روان‌شناسی، فیزیک، فلسفه و مذهب ساختند که حاصل مجموعه مطالعاتی است که توسط علوم روان‌شناسی، عصب‌شناسی، انسان‌شناسی، و علوم شناختی فراهم آمده است. (ایمونز، ۲۰۰۰: ۳۲) مفاهیم زیرمجموعه هوش معنوی نیز به همین نسبت با دانش‌های گوناگون در ارتباط است از جمله مفهوم خودانگیختگی که از مفاهیم کلیدی در فلسفه کانت و لایب‌نیتس در مبحث آزادی به‌شمار می‌رود و یکی از شرط‌های اصلی آزادی و یکی از وجوه و جلوه‌های اختیار آدمی است. (معین، ۱۳۹۵: ۳) اگر این مفهوم را از برج عاج متافیزیک و فلسفه فروتر بنشانیم، شاید بتوان آن را موتور محرکه انسان نامید که به او امکان تداوم حرکت به جلو یا به تعبیر بهتر پیشرفت، تولید، توسعه و دستیابی به هدف می‌بخشد. از آنجاکه موضوع انگیزه در روان‌شناسی مبحثی درازدامن است، اجمالاً می‌توان خودانگیختگی را نیرویی قلمداد کرد که از رابطه تقابلی انگیزه درونی و تحریک بیرونی در وجود آدمی پدید می‌آید.

در شعر موردبحث، شهریار بیان می‌کند که با وجود علاقه شدید به معشوق، با دیدن موقعیت نامناسبی که در آن قرار گرفته است، دیگر تمایلی به منتظر ماندن ندارد. شهریار وضعیت را به‌گونه‌ای می‌بیند که ترجیح می‌دهد یاد روزگار عاشقی را گرامی بدارد و تصور می‌کند، ماندن و زمین‌گیر شدن در این عشق ممکن است حتی خاطره شیرین آن را تلخ کند، لذا ترجیح می‌دهد از این عشق بی‌سرانجام عبور کند؛ چراکه

به‌فراست دریافته است؛ گذرا بودن اصل اصلی و قانون تخطی‌ناپذیر حاکم بر مناسبات جهان مادی است لذا به سائقه هوش معنوی، انگیزه عبور از این موقعیت دردآور را در خویش ایجاد می‌کند: سهل باشد همه بگذاشتن و بگذشتن کاین بود عاقبت کار جهان گذران

استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها

پژوهش‌ها و بررسی‌های مختلف نشان داده‌اند که میان معنویت و هدف زندگی، رضایت از زندگی و سلامت، هم‌بستگی وجود دارد؛ (جورج و همکاران، ۲۰۰۰: ۶۱) همچنین (ر.ک: ویچ و چپل، ۱۹۹۲: ۴۸) در میان مؤلفه‌های هوش معنوی، مثبت‌نگری سازه‌ای است که بیش از هر چیز دیگر موجب رضایت از زندگی و تبعات مثبت آن؛ همچون سلامت جسمی و روحی می‌شود و افرادی که دارای جهت‌گیری معنوی هستند، هنگام مواجهه با جراحی، به درمان، بهتر پاسخ می‌دهند و به شکل مناسب‌تری با آسیب‌دیدگی و بیماری کنار می‌آیند (ایمونز، ۲۰۰۰: ۴۱) و میزان افسردگی در آن‌ها کمتر است. (مک دونالد، ۲۰۰۲: ۳۹) براساس اطلاعاتی که از لابه‌لای سطرهای شعر شهریار می‌توان به‌دست آورد شهریار به‌صورت جبلی فردی مثبت‌اندیش و خوش‌بین است؛ اما در طول زندگی به دلیل وضعیت زمانه و تجربیات ناگوار شخصی، خوش‌بینی او خصوصاً در روابط اجتماعی تا حدودی رنگ می‌بازد و حتی در اواخر عمر به نوعی جاسوس‌هراسی *Spy-phobia* و بدگمانی *Paranoia* می‌انجامد؛ اما مثبت‌نگری او درخصوص فرجام خوش و امیدبخش کلیت زندگی هم‌چنان تا پایان عمر برجای می‌ماند. شهریار چنان‌که در بالا ذکر شد سرانجام از عشق خویش عبور می‌کند، او با گذاشتن و گذشتن از رویه عشق می‌کوشد تا از حرمت و حقیقت و ژرف‌ساخت آن صیانت کند:

دل من دار که در زلف شکن در شکنت یادگاری است ز سرحلقه شوریده‌ی سران

ص ۱۰۳

در بیت بعد شهریار که شاعری سنت‌گراست، به تبعیت از سنت‌های ادبی که معشوق را جفاکار و بدعهد و بیدادگر می‌شمارند به تلویح به معشوق خویش صفت بیدادگری می‌دهد؛ اما در تصریح، دامن معشوق را از بیداد منزّه دانسته، بخت و تقدیر خود را مقصر می‌شمارد.

ره بیدادگران بخت من آموخت تو را ورنه دانم تو کجا و ره بیدادگران

ص ۱۰۳

فارغ از سنت‌های ادبی و مقتضیات مضمون‌سازی در سپهر غزل‌سرایی و شعر غنایی فارسی، اینکه شهریار شخصیت حقیقی و ذات معشوق و روش معهود او را از بیداد بری می‌داند و بیداد وی را به القائات اغیار و روزگار و بخت خویش منسوب می‌کند را می‌توان نشانه‌ای از مثبت‌نگری شاعر در رابطه عاشقانه تلقی کرد که خود از نتایج و ثمرات هوش روحانی و معنوی است. شهریار به دلیل جهان‌بینی الهی و رویکرد معنوی،

حتی با شکست‌های عاطفی نیز از منظر و نظری مثبت مواجه می‌شود لذا در هر شکستی درسی و روزنه‌امیدی برای آینده می‌بیند:

می‌روم تا که به صاحب‌نظری باز رسم محرم ما نبود دیده‌کوته‌نظران

ص ۱۰۳

او ناکامی خود در عشق را حاصل کوتاه‌نظری افراد (نزدیکان معشوق) دانسته و این مهم را تجربه‌ای گرانبها برای خود و همچنین معشوق خود می‌داند و بیان می‌کند که این تجربه می‌تواند چراغ راهی برای آینده باشد.

احساس رسالت و تقدس‌بخشی

در نفس اقدام به آفرینش هنری، خصوصاً شاعری، نوعی داعیه احساس رسالت نهفته است. «هنر یک مقوله دینی و یک حقیقت متعالی و مقدس است که نجات‌بخش بشریت است و یک رسالت مافوق مادی و متعالی و صددرصد انسانی دارد» (شریعتی، ۱۳۶۲: ۸). شهریار نیز به اعتبار شاعر بودن و همچون اغلب شخصیت‌های معناگرا برای خود در زندگی و برای زندگی خود، تقدس و رسالتی قائل است که باید همچون سالک یا مسافری معنوی و روحانی آن را به سرمنزل مقصود برساند. او که در تمام لحظات حیات، خویش را درحال انجام مأموریتی سخت می‌بیند؛ اجازه توقف به خود نمی‌دهد.

ما گذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی تو بمان و دگران وای به حال دگران

ص ۱۰۳

شهریار این گذشتن و گذشت کردن را به مثابه راهبرد اصلی زندگی خود برای رستن از رکود و سکون و رسیدن به مقصد و هدفی مقدس و متعالی برگزیده است:

شهریارا غم آوارگی و دربه‌دری شورها در دلم انگیخته چون نوسفران

ص ۱۰۳

ث) علی ای همای رحمت

در شعر معروفی که شهریار برای امام اول شیعیان سروده، با چشم‌پوشی آگاهانه و عامدانه بر تمامی حواشی و مسائل فرامتن و پیرامتن، شاعر به بازنمایی تعدادی از سازه‌های هوش معنوی در آئینه شخصیت علی^(ع) پرداخته که از لابه‌لای مضامین این غزل قابل کشف و تحلیل است. شعر با طرح پرسشی بلاغی حاکی از اظهار شگفتی آغاز می‌گردد:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را؟

و در پاسخ به این پرسش بلاغی است که ذکر فضائل علی^(ع) که براساس آموزه‌های عرفانی و الگوهای روان‌شناختی انسان خودشکופا و کامل تلقی می‌شود تا پایان شعر ادامه می‌یابد. (سیف، ۱۳۷۹: ۲۱۴-۲۱۹)

ویلیام جیمز، کارل راجر، اریک فروم، آبراهام مازلو، کارل گوستاو یونگ و... در آثار خویش به بیان ویژگی‌های انسان کامل پرداخته‌اند (عسلی، ۱۳۸۹: ۱۷۵) که با همه این معیارها شخصیت علی (ع) را می‌توان نمونه‌ی اعلا‌ی انسان کامل دانست. در این میان دیدگاه یونگ آمیزه‌ای شگرف از پیوند روان‌شناسی، فلسفه، عرفان و ادبیات است. به‌طور خلاصه از منظر یونگ آنچه موجب یک‌پارچگی شخصیت انسان می‌شود، فرایند فردیت یافتن یا تحقق خود است. این فرایند خود شدن از نظر یونگ آن قدر طبیعی است که وی آن را غریزی می‌داند؛ با وجود این برای دست یافتن به آن باید تلاش بسیار کرد تا به بلوغ و سلامت روان و تمامیت یک انسان کامل رسید. براساس نظریه‌ی یونگ، شخصیت سالم در گرو ایجاد توازن میان اضداد وجود است؛ همان‌گونه که در عرفان نیز انسان کامل تجلی و آیینه‌ی صفات جمالیه و جلالیه‌ی خداوند است و در اعتقاد عارفان مسلمان، علی (ع) مجمع اضداد و واجد تمامی صفات الهی:

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

ص ۲۱

در کنار عوامل گوناگون فردی و اجتماعی و فرهنگی، خودآگاهی نسبت به فضائل علی (ع) و بازگو کردن و به تصویر کشیدن این فضیلت‌ها، برآیند هوش معنوی شاعر و تحت‌تأثیر مؤلفه‌ی فضیلت‌گرایی است که در ردیف پنجم از طبقات پنج‌گانه مؤلفه‌های هوش معنوی از دیدگاه امونز قرار دارد. امونز از این مؤلفه به‌صورت «ظرفیت درگیری در رفتار فضیلت مآبانه Virtuous behavior (بخشش Forgiveness، سپاس‌گزاری Gratitude، فروتنی، احساس شفقت)» یاد می‌کند (سیاحی و منصوری‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۵). فضائلی چون کرم یا بخشش (گذشت مادی) و بخشایش (گذشت معنوی/ عفو)، شفقت، وفاداری، رحمت و... در ادامه شعر مورد تأکید و تحسین و شگفتی شاعر قرار می‌گیرد:

مگر ای سحاب رحمت تو بیباری ارنه دوزخ
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا

چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان
چو علی که می‌تواند که بسر برد وفا را

ص ۲۱

به هر روی فضیلت‌هایی؛ همچون رحمت، کرم، مدارا، وفا، فتوت و... که مورد توجه شاعر قرار گرفته و در شعر به تصویر کشیده شده است؛ عموماً منطبق بر مؤلفه‌هایی هستند که در نظریه‌ی نوبل و وگان Vaughan دیده می‌شود. نظریه‌پردازان یادشده هشت مؤلفه یا شاخص را نشان‌دهنده‌ی رشد هوش معنوی دانسته‌اند که عبارتند از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاومت و پایداری و تمایل به بر طرف کردن نیازهای دیگران (نازل، ۲۰۰۴: ۸۲).

افزون بر این موارد برخی ابیات شعر مورد بحث حاکی از مؤلفه‌ای است که امونز آن را ظرفیت تعالی نامیده است. مقصود از ظرفیت تعالی که در آرای نظریه‌پردازان دیگری؛ مانند فریدمن و مک دونالد به صورت « فراتر رفتن از خود Transcendence of self و اتصال به یک کل بزرگتر» (آمرام، ۲۰۰۵: ۱۹) و در نظریه سیسک و آمرام به صورت «استفاده از سبک‌های تعالی» از آن یاد شده، فراتر رفتن از دنیای مادی و متعالی ساختن آن است که ترسیم این تعالی در شعر نیز می‌تواند نمایشگر نصابی از هوش معنوی شاعر باشد. علاوه بر کلیت شعر که حاکی از چنین تعالی اعجاب‌آوری است، ابیات زیر نیز به‌عنوان شاهدی بر مدعای فوق قابل ذکراند:

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند	چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را...
نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت	متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
چو تویی فضای گردان به دعای مستمندان	که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را

ص ۲۱

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه در بخش بحث و بررسی گفته شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که محمدحسین شهریار، شاعر سنت‌گرای معاصر به دلیل خاستگاه مذهبی و معنوی خانواده و تربیت دوران کودکی، واجد جهان‌نگری الهی و روحانی و نصاب قابل توجهی از هوش و خودآگاهی معنوی بوده است که در دوران رشد و بلوغ و در طی زندگانی پرفرازونشیب شاعر و مواجهه آگاهانه وی با ناکامی‌های عاطفی و احساسی خود، پرورش یافته و به اشکال گوناگون در اشعار وی منعکس شده است. در حقیقت شعر بی‌دروغ و بی‌نقاب این شاعر تبریزی به‌مثابه گزارش بالینی جامعی از روان‌شناسی اوست که اطلاعات ذی‌قیمتی را از احوال روانی شاعر در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. بر همین اساس در این پژوهش نیز شواهد متعددی برای هر یک از مؤلفه‌های گوناگون هوش معنوی که دانشمندان صاحب‌نظر، خصوصاً زوهر و مارشال، در زمینه هوش معنوی ذکر کرده‌اند از دیوان شعر شهریار به‌دست آمد. چنان‌که وجود تصاویر و مضامین شعری در دیوان شهریار که متضمن مؤلفه‌هایی هم‌چون خودآگاهی، خودانگیختگی، ارزش‌محوری و چشم‌اندازمحوری، کل-نگری، دگرخواهی، استقبال از تفاوت‌ها، استقلال رأی، تواضع و فروتنی، تمایل به طرح چراهای بنیادین، توانایی تغییر چارچوب‌های ذهنی، استفاده مثبت از مشکلات و چالش‌ها، فضیلت‌گرایی، احساس رسالت و تقدس‌بخشی، ظرفیت تعالی و... هستند، گواه بهره‌مندی وی از هوش سرشار معنوی است. افزون بر موارد ذکر شده به دلیل نگاه معنوی و عرفانی شهریار، نشانه‌هایی از نظریه‌های روان‌شناسی دیگر از جمله نظریه انسان کامل (از منظر عرفان و روان‌شناسی) یا نظریه خودشکوفایی و فردیت یونگ در شعر این شاعر رمانتیک سنت‌گرا قابل ردگیری است.

منابع

منابع فارسی

- بوالهروی، ج و دیگران. (۱۳۹۱). «رویکرد معنوی در آموزش پزشکی و علوم انسانی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۲۰، صص ۱۰۱-۱۲۵.
- بهجت تبریزی، م. (۱۳۹۷). *دیوان شهریار*، تهران: نگاه.
- چهرقانی برچلوئی، ر. (۱۳۹۴). *از حنجره‌های شرقی (سیری در شعر پایداری افغانستان)*، تهران: هزاره ققنوس.
- رادمنش، شهرزاد. (۱۳۹۶). «تطبیق مؤلفه‌های هوش معنوی در دو رمان «سختون» و «فریاد مرا بشنو»»، *نشریه‌ی ادبیات تطبیقی*، دوره‌ی ۹، شماره ۱۷، صص ۸۱-۱۰۵.
- زارعی متین، ح و همکاران. (۱۳۹۰). «شناسایی و سنجش هوش معنوی در محیط کار مطالعه‌ی موردی در بیمارستان لبافی نژاد تهران»، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های مدیریت عمومی*، شماره‌ی دوازدهم، صص ۷۱-۹۴.
- زرقانی، م. (۱۳۹۱). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، تهران: ثالث.
- ساغروانی، س. (۱۳۸۹). «بهره‌های هوش معنوی برای فرد و سازمان»، *تدبیر*، ش ۲۱۵، صص ۳۵-۳۹.
- سهرابی اسمرود، ف. (۱۳۸۷). «مبانی هوش معنوی»، *فصلنامه سلامت روان*، شماره ۱، صص ۱۴-۲۸.
- سهرابی، ف. و ناصری، ا. (۱۳۹۱). *هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن*، تهران: آوای نور.
- سیاحی، ص. و منصورینیا، س. (۱۳۹۱). «فضایل حضرت علی (ع) در قصیده لامیه ابن عباد»، *پژوهش‌نامه علوی*، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- سیف، س. (۱۳۷۹). «انسان کامل از دیدگاه روان‌شناسی»، *مجله دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره‌ی پیاپی ۹۸۸، صص ۲۱۳-۲۳۳.
- شریعتی، ع. (۱۳۶۲). *هنر (مجموعه آثار ۲۳)*، تهران: ارشاد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: نشر آگاه.
- شعبانیان، علیرضا. (۱۳۹۴). «تأملی در ساختارهای شعر فارسی»، *فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی*، شماره ۲۳، صص ۶۵-۹۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *کلیات سبک شناسی*، تهران: فردوس.
- عبدالله‌زاده، ح و همکاران. (۱۳۸۹). *هوش معنوی؛ مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن*، تهران: انتشارات روان‌سنجی.
- عسلی، م. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی انسان کامل در روان‌شناسی و عرفان»، *نشریه‌ی عرفان اسلامی*، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۷۵-۱۹۱.

- عقدايي، ت. و آريان، ح. (۱۳۹۴). «نگاهی به برخی آموزه های اخلاقی - تعليمی شهريار»، پژوهش نامه ادبيات تعليمی (پژوهشنامه زبان و ادبيات فارسی)، شماره ۷ (۲۸)، صص ۸۹-۱۱۲.
- عليزاده، ج. (۱۳۷۶). به همين سادگي و زيبايي، تهران: نشر مرکز.
- قنبري، س. و کريمي، الف. (بهار ۱۳۹۵). «مؤلفه‌های هوش معنوی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۱۳، صص ۹۹-۱۱۹.
- کبوتري اصفهاني، ف و همکاران. (۱۳۹۵). «اثر بخشی آموزش هوش معنوی بر مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی دانش آموزان تیزهوش»، پژوهش نامه‌ی روانشناسی مثبت، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۴۷-۶۲.
- مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي. (۱۳۸۸). بحار الأنوار، جلد ۴۵، تهران: انتشارات اسلاميه.
- محرمي، رامین و همکاران. (۱۳۹۶). «پیش‌بینی هوش معنوی کودک بر اساس شعر مبتنی بر آموزه‌های قرآنی»، پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۷۱.
- معین، الف. (۱۳۹۵). «خودانگیختگی در فلسفه نقادی کانت و فلسفه لایب نیتس»، نشریه‌ی متافیزیک، شماره ۲۲، صص ۱-۱۸.
- يعقوبی، ا. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه‌ی هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا»، فصلنامه‌ی پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۷۴-۶۱.

منابع لاتین

- Emmons, R. A. (2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10, 3-26.
- George, M. (2006). Practical application of spiritual intelligence in the workplace. *Human resource management in-ternational digest*; 2006: 14(5): 3-5. Available on: <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/09670730610678181/full/html>.
- Mac Donald D.A &, Friedman. L. H (2002), Assessment of humanistic transpersonal and spiritual constructs State of the science, *Journal of Humanistic Psychology*, 4(2)102-125.
- Sisk, D. A. & Torrance, E.P. (2001). Spiritual Intelligence: The Tenth Intelligence that Integrates all other Intelligence. *Gifted Education International*, 16(3), 208-212.
- Veach, Tracy & Chappel, John. (1992). Measuring spiritual health: A preliminary study. *Substance Abuse*, 13 (3), 139-147.
- Wigglesworth. Cindy, (2002), "Spiritual Intelligence & Leadership", *Conscious Pursuits*. <http://www.consciouspursuits.com/> Pp1-3